

تروریسم بین المللی از دیدگاه اسلام

تروریسم بین المللی از دیدگاه اسلام

تروریسم از پدیده های نوظهور و در عین حال، از معضلات روز جامعه ی جهانی و از مباحث مهم حقوق بین الملل و روابط بین المللی است. در تعریف «تروریسم» اتفاق نظری، حتی در میان خود نویسندگان و اندیشمندان غربی، وجود ندارد و تلاش سازمان های بین المللی نیز به جایی نرسیده است جز آنکه برخی مصادیق را به عنوان اقدامات تروریستی معرفی کرده اند، در حالی که هرگونه موضع گیری متوقف بر ارائه ی مفهومی روشن و شفاف از «تروریسم» است. اسلام مانند هر نظام حقوقی دیگر، خشنونت قانونی در قالب مجازات برای جرایم و یا دفاع مشروع را تحویز می کند، اما خشنونت غیر قانونی و خود سرانه را ناروا دانسته و تحت عناوین گوناگون از جمله «محاربه ، فتنه ، غدر و اغتیال » با آن مقابله نموده است. نظام اسلامی علاوه بر پای بند ی به معاهدات بین المللی در مبارزه با تروریسم، درصدد ریشه یابی عوامل این بزه کاری و برخورد با آن برآمده است. از دیدگاه اسلام ، اصولاً انسان ها محقون الدم هستند؛؛ جانشان محترم است و تعرض به آنها برای هیچ کس روا نیست. مگر کسانی که بر اثر ارتکاب جرایمی مانند قتل نفس یا اهانت به انبیاء و ائمه ی اطهار علیهم السلام خونشان براساس حکم شرعی و الهی هدر است . اما کشتن همین افراد هم به حکم قانون و علنی است و نه غافلگیرانه و خود سرانه .

مقدمه

تروریسم بین المللی يك معضل جهانی است . مهم تر آنکه تعداد چشم گیری از اقدامات تروریستی علیه مسلمانان یا داخل سرزمین های اسلامی و احیاناً مستند یا منتسب به آنان انجام می شود.

از سوی دیگر، امنیت از نیازهای اولیه ی زندگی اجتماعی و برخورداری از آن از آرمان های دیرین بشری است. کابوس وحشتناک ترس ناشی از تجاوز، ظلم و تهدید و ارباب همواره عامل ناگواری ، رکود و نومیدی انسان در زندگی جمعی بوده است . رهایی از این کابوس و احساس امنیت در برابر عواملی که آرامش زندگی و حقوق فرد و جامعه را به مخاطره می افکنده و زندگی و آزادی و آسایش انسان را مورد تهدید قرار می داده، هم وظیفه ی نخستین و غیرقابل انکار همه ی حکومت ها، خواه دینی و خواه سکولار است و هم نیازمند تلاش جمعی همه ملت ها و بلکه یکایک اینای بشر است ، زیرا امنیت حالتی نیست که با فعالیت فردی و یا يك جانبه تحقق پذیرد. بلکه در این راه تشریک مساعی افراد برای تأمین امنیت ملی و مشارکت همگانی در تأمین امنیت جهانی اجتناب ناپذیر است.

ترور یا ایجاد رعب و وحشت نیز از عوامل مهم تهدید کننده ی امنیت در سطح بین المللی است. از این رو، مقابله با تمام عوامل سلب امنیت در هر شکل و قالبی که باشد - از جمله تروریسم - مسئولیت همگانی است؛ زیرا بی شک، کلیه ی عوامل تهدید کننده ی امنیت از مصادیق «منکر» ، یعنی زشتی و پلیدی و ضد ارزش ، هستند و مقابله با آنها مصداق «نهی از

منکر» و زمینه ی تحقق «معروف» خواهد بود . به همین دلیل، در این نوشتار پس از يك بحث مفهوم شناختي ، دیدگاه اسلام درباره تروریسم تبیین می گردد.

مفهوم «تروریسم»

«ترور» و عملیات تروریستی از پدیده هایی است که در زمان ما، به ویژه در حوزه ی حقوق و روابط بین المللی، درباره ی آن بسیار سخن گفته می شود ، ولی همچنان مفهوم روشنی از آن در دست نیست . (1) این بدان دلیل است که واژه های «تروریسم» (terrorism) و «تروریست» (Terrorist) واژه هایی نسبتاً نوپا هستند که در جهان به شکل های گوناگون و احياناً متضاد - مثلاً، به عنوان وسیله ای برای سرکوب علیه استقلال طلبی ها، نفی وابستگی ها و محرومیت ها، ایستادگی در برابر زورگویی ابرقدرت ها، و قیام های مردمی در برابر رژیم های استبدادی وابسته - به کار گرفته می شوند و در عین حال ، پوششی هستند برای شیوه های تهدید و ارعابی که ابر قدرت ها برای پیشبرد سیاست های سلطه گرانه و تجاوز گرانه ی خود در جهان به وجود آورده اند.(2) تروریسم دولتی بیشتر نمود مورد اخیر است.

همین ابهام در مفهوم «ترور» و «تروریسم» موجب ناکامی در مبارزه ی جدی با آن می شود؛ زیرا ناکامی جامعه ی بین المللی در تعریف «تروریسم»، علتی سیاسی دارد، نه فنی. دولت های سرخورده و ناتوان یا آنها که قربانی جرایم اقتصادی و اجتماعی هستند یا چنین چهره ای از خود ترسیم می کنند، از گردن نهادن به تعریفی صرفاً شکلی یا مبتنی بر واقعیات از تروریسم سرباز می زنند. این دولت ها، بی آنکه آشکارا تروریسم را بستانند، تلویحاً آن را توجیه می کنند و غالباً آن را آخرین حربه ی ضعیف به شمار می آورند .(3) همان گونه که دولت های سلطه خواه و متجاوز با سوء استفاده از قدرت و نفوذ خود در مجامع بین المللی و رسانه های جهانی، تجاوز گری را «دفاع» و دفاع يك ملت از حق تعیین سرنوشت و حاکمیت سرزمینی خود را «ترور، خشنونت و تهدید» می نامند؛

آنچنان که در برخورد اسرائیل غاصب علیه ملت مظلوم فلسطین و «حزب الله» لبنان صورت می گیرد.

1. مفهوم لغوی «ترور»

«ترور» در لغت، به معنای ترس و وحشت زیاد است. لغت نامه دهخدا، آن را مأخوذ از فرانسه و به معنای قتل سیاسی با سلاح و «تروریست» را به معنای طرفدار خشونت و عامل ایجاد رعب و ترس دانسته است .(4) در فرهنگ معین آمده است:

«ترور» یعنی : ترس زیاد ، بیم، هراس، خوف، وحشت و در اصطلاح سیاسی، کشتن و از بین بردن مخالفان و عوامل ایجاد رعب؛ عامل ترور یعنی: طرفدار ترور، آدمکش ، آن کس که برای رسیدن به هدف خود کسی را به طور غافلگیرانه بکشد یا ایجاد هراس و وحشت بکند. ترور روش کسانی است که آدم کشی و تهدید مردم و ایجاد خوف و وحشت را به هر طریقی که باشد برای رسیدن به هدف های سیاسی خود، از قبیل تغییر حکومت یا در درست گرفتن زمان امور، لازم و مباح می دانند.(5)

2. مفهوم اصطلاحی «ترور» در حقوق بین الملل

در این جا، به برخی از تعاریف، که در آثار نویسندگان غربی از آنها یاد شده است، اشاره می شود، تا شاید بتوان در یک بررسی تحلیلی، به ارکان و عناصر تحلیلی آن دست یافت:

1. الگوی نظام یافته ای از رفتار خشنونت آمیز که به نوعی طراحی شده است که جمعیتی مورد تهدید واقع می شوند و بدین روی، سیاست های دولت خاصی تحت تأثیر قرار می گیرد. (6)

2. عملی نهادینه شده ولی نامتعارف که به منظور تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی معینی انجام می شود و با تهدید یا خشنونت همراه است. (7)

3. ارتکاب هر عمل غیرقانونی که برای نیل به اهداف سیاسی انجام شود. (8)

4. استفاده از زور، خشنونت یا تهدید برای کسب اهداف سیاسی از طریق ایجاد وحشت، ارباب و قوای قهریه. (9)

5. شاید جامع ترین تعریف، تعریف چریف باسیونی (M.Cherif Bassiouni) دبیرکل انجمن بین المللی حقوق جزا باشد. وی در تعریف «تروریسم بین المللی» می نویسد: رفتار اجبار آفرین فردی یا دسته جمعی با به کارگیری استراتژی های خشنونت همراه با ترور، که یک عنصر بین المللی را در بر گرفته یا علیه یک آماج تحت حمایت بین المللی است و هدف آن نیز ایجاد یک نتیجه ی قدرت طلبانه است. چنین رفتاری در موارد ذیل در برگیرنده ی یک عنصر بین المللی است:

1. مرتکب و قربانی، شهروندان دولت های گوناگون باشند؛

2. این رفتار کلاً یا جزئاً در بیش از یک کشور انجام شود. آماج های تحت حمایت بین المللی عبارتند از:

1. غیر نظامیان بی گناه؛

2. دیپلمات های دارای استوارنامه ی مورد قبول و کارمندان سازمان های بین المللی که در داخل حوزه ی فعالیت خود عمل می کنند؛

3. هواپیماهای غیر نظامی بین المللی؛

4- پست و دیگر وسایل ارتباطی بین المللی؛

5- اعضای نیروهای مسلح که درگیر جنگ نیستند.

نتیجه ی قدرت طلبانه نیز نتیجه ای است که هدف آن تغییر یا حفظ ساخت ها یا خط مشی های فعال سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی یک دولت یا یک سرزمین مشخص از طریق خط مشی های اجبار آفرین است. (10)

به نظر می رسد تعاریف مزبور به رغم اختلافات، در بعضی عناصر و ویژگی ها مشترکند:

1. رفتار اجبار آفرین و خشنونت بار؛ مانند وارد ساختن صدمه بدنی بر دیگران، جرح و قتل، گروگان گیری یا نابود کردن دارایی و اموال؛

2. ایجاد جو ارباب و وحشت و تهدید و سلب امنیت در سطح عمومی و نه فقط نسبت به قربانی ترور؛

3. غیرقانونی بودن عمل، چه از سوی تروریست های داخلی یا شخصی و چه در تروریسم بین المللی از آن نظر که هنجارهای حاکم و متعارف را قبول ندارند و درصدد ایجاد اختلال در آن هستند و نیز از این نظر که قانون های حاکم بر مبارزه و جنگ های متعارف را قبول ندارند. (11)

4. غافلگیرانه بودن که به تروریست ها فرصت می دهد تا زمان و مکان حمله را انتخاب کنند و به همین دلیل، غیرقابل پیش بینی است.

5. معمولاً به انگیزه ی سیاسی و برای کسب قدرت یا ساقط کردن تا تضعیف نظام سیاسی موجود صورت می گیرد. با وجود این، بسیاری از عملیات تروریستی به انگیزه های اقتصادی یا

جنایت کارانه صورت می گیرند؛ مانند سرقت بانک یا مغازه ها و یا آدم کشی به قصد انتقام یا بزه کاری .

6. از دیدگاه تروریست ها ، همه هدف هستند و هیچ کس در امان نیست . اهداف بدون تبعیض و تشخیص انتخاب می شوند . البته این منافاتی ندارد با آنکه برای شتاب بخشیدن در نیل به اهداف سیاسی و یا گسترش کمی و کیفی آثار تخریبی و ناامنی، اشخاص برجسته تر و یا اماکن مهم و اهداف حساس انتخاب شوند.
با توجه به تعاریف مزبور؛ دو نکته حایز اهمیت است:

نکته ی اول : تروریسم گونه های متفاوتی دارد. از جمله ی شایع ترین آن، تروریسم سیاسی است. تروریسم سیاسی چیزی بیش از یک عمل مجرمانه ی مهم و جدی است . این عمل پیامی نیز با خود به همراه دارد؛ چون تروریسم سیاسی با توسل به تهدید اخاذی ، خواهان جلب توجه دیگران است. در این نوع تروریسم ، هرگز قربانیان مشخصی به طور تصادفی انتخاب نمی شوند . تروریست ها با انجام حملات، در اماکن عمومی مانند خیابانی شلوغ ، ایستگاه قطار، فرودگاه یا فروشگاه های بزرگ، در پی آنند که با ایجاد جو گسترده ی وحشت عمومی، حکومت ها را تحت فشار قرار دهند.(12)

نکته ی دوم: تلاش های زیادی صورت گرفته است تا تعریف مشخصی را که مورد قبول همه باشد از تروریسم ارائه کنند، ولی متأسفانه توفیق چندانی حاصل نشده است. کنوانسیون استراسبورگ ، مورخ 27 ژانویه 1977 در تعریف «تروریسم» به موفقیت دست یافت، ولی این کنوانسیون حاوی تعریف مشخصی از «تروریسم» نیست.

با وجود این، در بخش اول آن، فهرستی از اعمال تروریستی ارائه شده است؛ مانند آدم ربایی ، گروگان گیری و هواپیما ربایی. (13)

بنابراین، هیچ تعریف عام و پذیرفته شده ای از اقدام تروریستی در حقوق بین الملل وجود ندارد . تعاریف موجود یا از لحاظ دامنه به گونه ای خاص محدود می گردند یا تنها معدودی از دولت ها آنها را پذیرفته اند و از پشتیبانی نظری و مقابله ی عملی جهانی و گسترده برخوردار نیستند.(14)

3. مفهوم «ترور» در فقه و حقوق اسلامی

در فرهنگ اسلامی به طور عام، و در فقه و حقوق اسلامی به طور خاص ، واژه ی «ترور» به کار نرفته، بلکه این واژه در کاربرد لغوی و اصطلاحی آن، وارداتی است . چنان که ادعا شده، « در مکتب اسلام، چیزی به نام تروریسم وجود ندارد و تروریسم به عنوان یک مکتب ، اولین بار در اروپا شکل گرفته است ». (15)

برخی اندیشمندان مسلمان با نزدیک دانستن معنای «تروریسم» به تهدید و ارباب ، معتقدند : ترور عبارت است از :

هر نوع عملی که به منظور اهداف غیر انسانی و در جهت فساد و متضمن به خطر افکندن امنیت و ایجاد زمینه ی تعرض و محدودیت در مورد حقوق مشروع بشری و موجب سلب آرامش گردد.(16)

تهدید و ارباب به این معنا می تواند در قالب های متفاوتی نمود پیدا کند، از جمله در شکل تولید سلاح های مخوف هسته ای ، میکروبی، استراتژی های جنون آمیزی همچون جنگ ستارگان ، پیمان های نظامی، (17) ایجاد رژیم های بی ریشه و سرکوبگر مانند رژیم غاصب اسرائیل که نه تنها منطقه ی خاورمیانه، بلکه سراسر جهان از فتنه و فساد آن در امان نیست و

فاجعه ی «قانا» در لبنان، «دیر یاسین»، «صبرا» و «شتیلا» در فلسطین جلوه های بارزی از اقدامات تروریستی هستند و متأسفانه با سکوت و احياناً رضایت و بلکه حمایت دولت های غربی مدعی مبارزه با تروریسم، جهان را تا حد يك جنگ تمام عیار در مقیاس جنگ جهانی مورد تهدید قرار داده اند و با اشغال و تجاوز به حاکمیت سرزمینی عراق و افغانستان، به نام مبارزه با تروریست هایی مانند «القاعده» و «طالبان» و حزب «بعث» عراق، که ساخته و پرداخته ی خودشان بوده اند، اقدامات جنایت کارانه و تروریستی انجام داده و از تمام منطقه ی خاورمیانه، بلکه جهان و حتی از مردمان خود نیز، آسایش و امنیت را سلب کرده اند.

امروزه «تروریسم» در رسانه های غربی بدون توجه به ریشه ها، و تمایز بین اهداف، به اعمال خشنونت باری گفته می شود که از سوی گروه ها یا اشخاص انجام می شود. با این تفسیر، اقدامات تروریستی شامل عملیاتی می شود که ملت های ستم دیده ی فلسطین، افغانستان، عراق یا جمهوری اسلامی ایران و یا سایر مبارزان و آزادگان و مظلومان جهان در جهت رهایی و به دست آوردن حقوق پایمال شده ی خود، به دلیل به بن بست رسیدن همه ی راه های نتیجه بخش دیگر انجام می دهند و در حقیقت، نوعی اقدام دفاعی (دفاع مشروع) در شرایط ویژه و با امکانات خاص برای متوقف کردن دشمنان، و تنها راه رهایی از ستمگری و تجاوز اشغالگران است که آن را «ترور» می نامند. (18)

گروگان گیری یا «عملیات استشهادی» نمونه ای از آن است.

جالب توجه است که اولین هواپیما ربایي در جهان توسط اسرائیل غاصب در دسامبر 1945 انجام گرفت و مزدوران آمریکا در سراسر جهان، آدم ربایي و ترور را در سطح گسترده ای شیوه ی کار خود برای ایجاد جو رعب و وحشت قرار داده اند؛ (19) چنان که وزرای قانونی و نمایندگان منتخب مردم در مجلس فلسطین را دستگیر کردند، به محل های نا امن بردند و تحت شکنجه و آزار قرار دادند و بدون هیچ ترس و واهمه ای در تربیون عام می گویند: سیدحسین نصرالله دبیر کل «حزب الله لبنان» را ترور می کنیم. این همان «تروریسم دولتی» است که از سوی دولت های مدعی مبارزه با تروریسم و خشنوت حمایت می شود.

عده ای دیگر با تعریف «ترور» به ایجاد ترس و وحشت می گویند: «تروریست» کسی است که دست به سلاح می برد تا در جامعه ایجاد رعب و وحشت کند. از این رو، در اصطلاح فقهی «ترور» را مترادف با مفهوم «محاربه» می دانند. آیه الله هاشمی شاهرودی با ایجاد تمایز بین دفاع (مشروع) از خود و حاکمیت سرزمینی می گوید:

جایی که يك حکومت غاصب حق ملتی را غصب کرده باشد، اگر افراد صاحب آن سرزمین در گرفتن حق خود، مجبور به نوعی محاربه (یعنی مبارزه) باشند؛ این امر محاربه محسوب نمی شود، بلکه دفع افساد است... «ترور» در فقه اسلامی، بیشتر تحت عنوان «محاربه» قابل بحث است؛ چون عنصر اصلی آن ایجاد مرگ و رعب و برهم زدن امنیت مردم بی گناه است و در سیستم قضایی، هر جرم این چنینی، که به صورت مسلحانه باشد، محاربه سازمان دهی شده و «تروریسم» است. (20)

البته ایشان نکته ای را گوشزد می کنند که برخاسته از قرآن است و آن اینکه دفاع مشروع نیز دارای حد و مرز است و اگر بیش از اندازه دفاع باشد، تجاوز از دفاع مشروع است؛ (21) چنان که خدای متعال می فرماید: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا» (بقره 190) یعنی حق با کسانی هم که با شما نبرد می کنند نباید در مقام دفاع و مقابله، به بیش از اندازه ی دفاع اقدام کرد. تجاوز حتی به دشمن نیز ناصواب و نارواست، جز آنچه به منظور پیش گیری از تجاوز باشد که آن هم اقدامی است با ماهیت دفاعی نه تجاوز گری. (22)

از لحاظ حقوقی نیز روشن است که هم در داخل يك کشور و هم در سطح بین المللی، اعمال

تروریستی، خواه ناخواه به عنوان یکی از جرایم علیه اشخاص، اموال، امنیت داخلی و خارجی و آسایش عمومی مطرح می شوند. البته در این خصوص، دو رویکرد حقوقی وجود دارد:

1. برخی کشورها با توجه به عناوین پیش بینی شده در قوانین کیفری، مفهوم «تروریسم» را مفهومی جدید نمی دانند؛ مانند آلمان و سوئد.

2. برخی دیگر از کشورها برای مفهوم «تروریسم»، همگام با کنوانسیون های بین المللی و قوانین داخلی، یک سیاست جنایی تقنینی در قبال تروریسم اتخاذ می کنند؛

مانند فرانسه. در این رویکرد، تروریسم یک جرم جدید محسوب می شود. (23)

امان همان گونه که گفته شد، در فرهنگ و ادبیات حقوقی و سیاسی اسلام، این واژه سابقه ای ندارد، ولی اگر بتوان عناصر تحلیلی آن را به دست آورد، چه بسا تحت عنوان «محرابه، ارهاب، تهدید و اعمال خشونت، فتنه، و اغتیال و غیله» قابل مطالعه و بررسی باشد.

با وجود این، باید توجه داشت که برخی مفاهیم ممکن است انطباق بیشتری با ترور و تروریسم داشته باشند؛ مانند محاربه و افساد فی الارض؛ ولی برخی دیگر اخص، یا اعم یا عام و خاص من وجه هستند. در برخی موارد، برهمدیگر انطباق پیدا می کنند و در موارد دیگر متفاوتند. از این رو، نمی توان احکام آن عناوین و موضوعات را به ترور و تروریسم سرایت داد. پس باز هم باید با دقت بیشتر، در صدد یافتن معنای نزدیک تر و مورد اتفاق یا با اشتراک بیشتر ارکان و عناصر سازنده ی ترور از دیدگاه اندیشمندان مسلمان باشیم.

درماده ی اول کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی، در مقابله با تروریسم بین المللی آمده است:

«تروریسم» شامل هرگونه عمل خشونت آمیز یا تهدید کننده است که صرف نظر از مقاصد یا انگیزه مرتکبین آن، به منظور اجرای یک طرح جنایت کارانه فردی یا گروهی و با هدف ایجاد رعب بین مردم یا تهدید آنان به وارد آوردن صدمه به آنان و به خطر انداختن یکی از منابع ملی یا تأسیسات بین المللی، یا تهدید کردن ثبات، تمامیت ارضی، وحدت سیاسی، یا حاکمیت کشورهای مستقل انجام گیرد.

همان گونه که ملاحظه می شود، در فرهنگ اسلامی نیز تروریسم با بار منفی، در برگیرنده ی عناصر ذیل است:

1. مهم ترین عنصر تروریسم سلب امنیت و آسایش است که آن را تا حد بزرگ ترین جنایت برای بشریت خطرناک می سازد.

2. انگیزه ی آن مقاصد غیرانسانی و ضد بشری است که معمولاً عاملان تهدید و ارباب را به انجام جنایاتی علیه بشریت وا می دارد. (24)

3. اقدام خشونت بار و به کارگیری سلاح یا تهدید به آن؛

4. غیرقانونی بودن و هنجار شکنی اقدامات تروریستی،

5. قربانیان، یعنی همان کسانی که مورد حمله تروریستی قرار می گیرند، غیر نظامیان و افراد بی گناه هستند.

به همین دلیل، یکی از استادان برجسته ی حقوق بین الملل در همایش «تروریسم دفاع مشروع از دیدگاه اسلام و حقوق بین الملل» با تفکیک «تروریسم» از «مبارزات آزادی بخش» می گوید:

مبارزات آزادی بخش تابع حقوق درگیری های مسلحانه است. مبارزاتی که هدف آن خاتمه بخشیدن به سلطه ی استعمار، اشغال بیگانه و برچیدن نظام های نژاد پرست است، مشمول

مقررات پروتکل الحاقی يك يا چهار کنوانسیون ژنو مي باشد . در این پروتکل ، با اشاره به رعایت اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیر نظامی ، از هرگونه اقدام خشونت آمیز، که هدف آن ایجاد رعب و وحشت در میان غیر نظامیان و حملات غیر تبعیض آمیز است ، منع شده است .(25)

به همین دلیل، وقتی جو ارباب و تهدید امکان هر نوع دسترسی به حقوق قانونی از طریق مسالمت آمیز را از محرومان ستم کشیده می گیرد و زندگی را در همه ی ابعادش بر آنها تنگ می کند و جز تسلیم یا مبارزه و مرگ راهی به روی آنها باز نمی گذارد، چه انتظاری می توان داشت؟ مگر ابر قدرت ها برای حفظ منافع - به اصطلاح - ملی و یا حتی امنیت جهانی و صدور دموکراسی و دفاع از حقوق بشر و پیشبرد سیاست های تجاوز کارانه و سلطه خواهانه ی خود، راهی جز خشونت و ایجاد جو تهدید و ارباب برگزیده اند؟ آیا اعمال خشونت آمیز، فریاد ملت های دربند و مظلوم و حق باخته نیست؟ آیا این اعمال، دادخواهی علیه سیاست های تجاوزکارانه و نوعی اقدام دفاعی محسوب نمی شود؟ آیا این اعمال و نظایر آن، مانند عملیات استشهادی مبارزان مسلمان در لبنان و فلسطین و عراق ، تنها راه مبارزه برای آزاد سازی ملت ها و سرزمین ها نیست ؟

با ملاحظه ی آنچه گذشت، می توان درباره ی تعریف «تروریسم» با اشلاگهك (schlsghek) هم صدا شد . او با اشاره به اینکه از سوی نویسندگان و محققان ، تاکنون قریب یکصد تعریف از «تروریسم» ارائه شده ولی هنوز توافقی بر تعریف مشخصی وجود ندارد، سعی کرده است عناصر مشترك در میان همه ی تعاریف را بیان کند. به اعتقاد وی، این عناصر عبارتند از :

1. تروریسم مشتمل بر کاربرد خشونت یا تهدید به خشونت است .
2. خشونت تروریسم غیر قابل پیش بینی است.
3. قربانیان تروریسم غالباً ارزش نمادین دارند.
4. تروریسم در پی تبلیغات جنگ روانی و نشر ایده ی خاصی است.
- 5- تروریست ها دارای اهداف سیاسی هستند که غالباً می توانند متنوع باشند.
6. تروریسم مسئله ی پیچیده ای است.(26)

دیدگاه اسلام درباره ی تروریسم

همان گونه که ملاحظه شد، نه در حقوق بین الملل معاصر و نه در فقه و فرهنگ اسلامی، تعریف واحد و مورد اتفافی از «ترور» و «تروریسم» ارائه نشده است . با وجود این، به لحاظ اشتراك نظر در بعضی عناصر و ارکان این موضوع ، در يك نگاه کلی و با صرف نظر از مصادیق و برخی جزئیات ، بار منفی آن غیر قابل انکار است . اما برای بررسی دقیق تر دیدگاه اسلام در این باره، مراجعه به اصول کلی اسلام مرتبط با این موضوع و نیز عناوین نزدیک به این مفهوم ضروری است .

1. دعوت اسلام به صلح و امنیت

اسلام دین صلح و امنیت است (27) و پیامبر آن «رحمة للعالمین»؛(28) گسترش اسلام و وفاداری به آن نیز تا حد زیادی رهین اخلاق نرم، پرگذشت و اغماض، و مهربانانه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.(29) اسلام نه تروریسم را قبول دارد و نه به کسی اجازه ی عملیات تروریستی می دهد. به عبارت دیگر، تروریسم با مشخصاتی که بیان شد، در اسلام نه تنها مورد تأیید نیست ، بلکه يك جرم بزرگ و از گناهان کبیره ای است که در دنیا و آخرت مجازات

شدیدی برای آن تعیین شده است. پس اسلام با تروریسم مقابله می کند، ولی نه مانند مکاتبی که در یک رویکرد یک سونگرانه - آنجا که علیه آنها یا منافع نا مشروعشان باشد - تروریسم را محکوم می کنند، اما برای دست یابی به اهداف و منافع خود، دست به هر اقدام تروریستی می زنند و در عمل یا به بهانه یا تحت پوشش عناوین خود ساخته و خلاف واقع ، آن را جایز می دانند. البته گاهی برخی آموزه های اسلامی خوب فهمیده نشده اند و یا برخی گروه های متحجر مانند «وهابیان» و در قالب «طالبان» یا اشکال دیگر ، با استفاده ی ابزاری از دین و آموزه های آن و در حقیقت ، تنها با عاریه گرفتن نام دین ، اقداماتی کرده اند که زمینه ساز سوء تفاهم یا تبلیغات نادرست علیه اسلام گشته است.

اسلام هیچ وقت قبول نداشته ، بلکه حتی راضی هم نبوده است که بی گناهی کشته شود . اسلام دین حقیقت است و خداوند به امنیت و سلامتی دعوت می کند: «والله يدعوا الي دار السلام» (یونس 25) آن هم امنیت جاوید و سلامت ابدی : «سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار.» (رعد: 24) هم نحوه ی دعوت الهی با روش معروف و منطقی و به نیکو ترین شیوه است : «ادع الي سبيل ربك بالحكمه و الموعظه الحسنه و جاد لهم بالتى هي احسن...» (نحل 125) و هم در روابط بین المللی اسلام اصل همزیستی مسالمت آمیز حکفرماست ؛ چنان که خدای متعال می فرماید: « لاینها کم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یرجوکم من ديارکم أن تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» (ممتحنه 8) پس نه تنها به ستیز با کفاری که در دین با ما مبارزه نمی کنند و یا مسلمانان را از سرزمین خود آواره نمی کنند، دستور نمی دهد، بلکه ما را از نیکی کردن به آنان ، بلکه به عدالت رفتار کردن با آنان منع نمی نماید . این پیش دستی دین اسلام در زمان اوج اقتدار است که از کفار که در اقلیت بودند می خواهد که بر اساس توحید و کلمه ی واحد جمع شوند: « قل یا أهل الکتاب تعالوا الي کلمه سواء بیننا و بینکم » (آل عمران:64)

از دیدگاه اسلام ، امنیت بالاترین نویدی است که به جامعه ی برین در راه ایمان و عمل صالح داده می شود و نیز بالاترین سطح ارتقا و تعالی بشر است: « و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمنا» (نور:55) و تأمین امنیت عمومی برای همه ی شهروندان، خواه مسلمان یا غیر مسلمان ، از وظایف اولیه ی همه حکومت هاست و چنانچه برای یکی از شهروندان حکومت اسلامی ، حتی اگر یهودی باشد یا مسیحی ، به نحوی ناامنی ایجاد شود، رهبر عالی و فرمانده کل قوا آن قدر ناراحت می شود که می گوید: اگر من علی یا هر انسان آزاده ی دیگری این خبر را بشنود و از تأسف جان دهد، جا دارد.(30)

1-Malcolm Shaw, International Law, P. 1051 2- () 3 (1377) -425.3 « »
James lodge, -431.6 (1367) « » 5- (1361) -126.4 -125 (1380) 21
Terrorism a challenge to the state (Oxford, Martin Robertson 1981), P.5.7- Thomas
P.Thornton, Terror as a weapon of political agitation, in international war , ed. by H.
Eckstein (New York, : Free Press .1961, P. 71 - 998- Lester A. Sobel , Political
Terrorism (New York, Facts on file. 1975), P 3-12.9- Robert A. Frakl Lander, Terrorism
and the Law: What Price Safety (Gaitbersburg, MD, LACP, 1981), P. 3. 10-
M.Bassiouni, International Terrorism and Political, crimes New York and publication,
1975), p xiv.)11-Paul Witkinson, Terrorism and the Liberal State , 2nd ed (London,
) 36 « » -126.15 -126.14 -125 -123.13 Macmillan. 1986), p. 5512-
(1380) 13.16 -426.17 -426 -18.427 -19.425 -20. -13.21 -22.
(1382) 185 205-206.23 « » 13. (1380) -12 -13.24 -426 -25 427 « »

« 13. (1380) -13.26 Internatinal Terrorist, an Introduction to Dona M. Schlagheck,
-199.28 -198 : the Concepts and Actors (New York, Free Press, 1987) , p. 1 - 9. 27-
-107.29 : -15930 (1412) 47 70-69.